

Abstract

Education plays an essential role in economic and social growth and development and is recognized as one of the important goals of all countries. The development of education directly leads to the development of science, industry, and production, and of course, it causes economic development. The relationship between education and economic and social development is a complex relationship. The current research was conducted with the aim of presenting a favorable model for the economic development of the province with an emphasis on skill training and the document of fundamental transformation of education. The current research is based on grand theory (qualitative part) and single-section survey (quantitative part). The results obtained from the covariance matrix absolutely show that there is a significant relationship between the independent and dependent variables. And the significance level of less than 0.05 proves this relationship. Now the correlation matrix shows how much the correlation of each variable is. which shows that there is a positive relationship between the examination of the fundamental transformation document of education and skill training with an estimate of 0.55. Also, there is a positive correlation between the document of fundamental transformation of education and economic development rate of 0.84. The results of the goodness of fit indices and Bentler-Bonnet normal fit index using Amos software show that the model has a good fit. The results of the second-order factor analysis also showed similar results to the first-order factor analysis. In the end, it can be said that the program of the fundamental transformation of fostering education plays an important role in the economic development of the province by emphasizing skill training.

Keywords: Desirable model, economic development, skill training, document of fundamental transformation of education.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱، صص ۱۶۱۴-۱۵۹۴
ارائه الگوی مطلوب در جهت توسعه اقتصادی استان با تأکید بر آموزش‌های مهارتی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

سیدجلال‌الدین حسینی دمیرچی درسی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

اقباله عزیزخانی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۴

صمد رسول زاده اقدام^۳

چکیده

آموزش و پرورش نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و به عنوان یکی از اهداف مهم تمام کشورها شناخته شده است. توسعه آموزش و پرورش مستقیماً به توسعه علوم و صنایع و تولید و بالطبع باعث توسعه اقتصادی می‌شود و به صورت، رابطه آموزش و پرورش با توسعه اقتصادی و اجتماعی یک رابطه پیچیده است. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی مطلوب در جهت توسعه اقتصادی استان با تأکید بر آموزش‌های مهارتی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شد. پژوهش حاضر از نظر روش اجرا از نوع گراند تئوری (بخش کیفی) و پیمایشی تک مقطعی (بخش کمی) است. نتایج حاصل از ماتریس کوواریانس به صورت مطلق بیان می‌کند که بین متغیرهای مستقل و وابسته ارتباط معنادار وجود دارد. و سطح معناداری کمتر ۰/۰۵ این ارتباط را اثبات می‌کند. حال ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که میزان همبستگی هر متغیر چقدر است. که نشان می‌دهد بین بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با آموزش‌های مهارتی با تخمین ۰/۵۵ رابطه مثبت وجود دارد. و همچنین بین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با میزان توسعه اقتصادی ۰/۸۴ همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج شاخص‌های برازش نیکویی و شاخص برازش بهنجار بنتلر- بونت به وسیله نرم افزار آموس نشان می‌دهد که مدل دارای برازش مطلوبی می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نیز نتایج مشابهی را با تحلیل عاملی مرتبه اول نشان داد. در نهایت می‌توان گفت که برنامه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با تأکید بر آموزش‌های مهارتی در جهت توسعه اقتصادی استان نقش مهمی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: الگوی مطلوب، توسعه اقتصادی، آموزش‌های مهارتی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

^۱ دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. (Hossinidamirchi@gmail.com)

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران. (Azizkhanieghbaleh@gmail.com)

^۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید مدنی، تبریز، ایران

(Samad1356@gmail.com).

مقدمه

تحول در نظام آموزش و پرورش یک موضوع علمی مبتنی بر مبانی نظری گسترده ای است که با کل نظام آموزش و پرورش مرتبط بوده و با مباحث دیگری از جمله تغییر، اصلاح، نوآوری و ارتقاء هم ارتباط دارد. تحول نیازمند نواندیشی هایی در باز تعریف آرمان ها، اهداف، نتایج و دستاوردهای آموزش و پرورش است که از طریق استقرار یک نظام فلسفه ی دقیق، علمی و مبتنی بر هویت ملی و دینی کشور امکان پذیر می شود. از این رو در نظام آموزشی، پویایی نظام می تواند از یک سو، از تغییر و اصلاح و نوآوری آغاز و با تأثیر بر ارتقای نظام به نقطه ی غایی خود یعنی تحول در نظام آموزشی ختم شود و از سوی دیگر، می تواند با تحول رویکردهای نظری و باز تعریف آرمان ها و دستاوردهای نظام آموزشی، منجر به تغییر، اصلاح و نوآوری شود تا بدان وسیله ارتقاء نظام آموزشی حاصل آید (انصاری و قرایی، ۱۳۹۷).

تحقق ارزش ها نیازمند ترسیم نقشه ی راهی است که در آن نحوه ی طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه ی سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده است تا با الهام گیری از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزش های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود (انصاری و قرایی، ۱۳۹۷).

اگرچه در سه دهه گذشته تلاشهای فراوان و قابل تقدیری از طرف مسئولان و دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است، اما آموزش و پرورش هنوز با چالش های جدی روبروست و برونداد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخگوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نیست. از این رو، تأکیدهای حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول ایرانی و تدوین الگوی اسلامی بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون رفت از چالش های نظام آموزشی کشور است (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حقیقت برنامه راهبردی آموزش و پرورش می باشد. یکی از گسترده ترین طرح های نرم افزاری است که با تأکید بر جنبه های کیفی، رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری تدوین شده است. قلمرو سند عرصه های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش در بر می گیرد و برای آنها تعیین تکلیف می کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم گیری های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است (رعناپی، ۱۳۹۳).

آموزش های مهارتی کوششی است که برای تغییر رفتار افراد از طریق فرآیند یادگیری و به منظور افزایش اثربخشی آنها، صورت می گیرد و علاوه بر همراه داشتن بهبود و تعالی، باعث ارتقای بینش و بصیرت شده و دانش، معرفت و مهارت لازم را برای ایفای وظایف محوله به فرد می دهد. رشد و توسعه اقتصادی کشورها به میزان قابل توجهی از رشد و توسعه آموزشی تاثیر می پذیرد و یکی از مهمترین بخش های نظام

آموزش هر کشور، نظام آموزش مهارتی است. برخی کمبودها و کاستی ها در نظام آموزشی و همچنین نیاز به کارکنان ماهر و نیمه ماهر در صنایع، متولیان نظام آموزشی را بر آن داشت تا به لحاظ تغییرات بنیادین در پیکره آموزش رسمی جامعه، برای رفع این نیاز اساسی اقدام کنند. تاسیس و فراگیر کردن شاخه های مهارت آموزی در نظام آموزشی، یکی از نتایج این تصمیم است. این آموزش ها، آموزش هایی هستند که موجب ارتقا دانش و مهارت های افراد شده و امکان به فعلیت رساندن استعداد های نهفته افراد را افزایش می دهد. یکی از مشکلات عمده در آموزش، انتقال آموخته های افراد به محیط کار است. افراد مهارت ها و تکنیک های جدید را فرا می گیرند؛ اما در محیط کاری واقعی از آنها استفاده نمی کنند که این امر نشانگر این است که حاصل کار برنامه های آموزشی، دائمی و پابرجا نیست (میرزا محمدی، ۱۳۹۱).

آموزش و پرورش نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و به عنوان یکی از اهداف مهم تمام کشورها شناخته شده است. توسعه آموزش و پرورش مستقیماً به توسعه علوم و صنایع و تولید و بالطبع باعث توسعه ی اقتصادی می شود و به صورت، رابطه آموزش و پرورش با توسعه اقتصادی و اجتماعی یک رابطه پیچیده است. آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش ها و طرز تلقی های افراد می شود و این خود تأثیر مستقیمی به وضعیت اقتصادی دارد. چنانچه آموزش و پرورش یک کالای مصرفی قلمداد شود به هنگام بروز بحران ها بایستی از میزان مصرف کاست و بنابراین مقادیر کمتری آموزش و پرورش ارائه نمود. اگر آموزش و پرورش یک کالای سرمایه ای بادیوم است طبیعتاً بر ظرفیت تولیدی جامعه خواهد افزود. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که نشان دهیم آموزش و پرورش نوعی سرمایه گذاری است و برای تسریع آهنگ رشد اقتصادی و اجتماعی راهی جز سرمایه گذاری های انبوه در منابع انسانی وجود ندارد لذا در این پژوهش برآنیم تا با بررسی و تحلیل محتوای برنامه ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به ارائه ی الگوی مطلوب در جهت توسعه اقتصادی استان با تاکید بر آموزش های مهارتی بپردازیم.

مرور ادبیات و سوابق مربوطه

احمدی و احمدی مقدم، (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان " بررسی رابطه بین نظام تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) با اقتصاد مقاومتی " نشان دادند که آموزش و تربیت نیروی انسانی یکی از علل اصلی پیشرفت و توسعه اقتصادی هر کشوری است. لازمه آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر، سرمایه گذاری بلند مدت در این زمینه است. احمدی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان "مروری بر نحوه تامین منابع مالی در آموزش و پرورش" نشان دادند که آموزش و پرورش ایران در مواجهه با تقاضای روزافزون شهروندان برای آموزش کیفی و کافی با کمبود های شدید در زمینه تامین مالی و نا کارایی در صرف منابع مالی اندک روبروست که خود به چالش هایی اساسی مانند عدم پوشش تحصیلی صد درصدی، زیرساخت های ناکافی و غیر استاندارد، کیفیت پایین عناصر آموزشی منجر شده است. نتایج این پژوهش نیز نشان می دهد که صاحب نظران نبود آزادی انتخاب و ناکارایی در صرف منابع مالی را به عنوان اصلی ترین مسئله آموزش و پرورش تلقی کرده و اجرای قراردادهای مدیریتی را به عنوان مهمترین مکانیسم برای حل این مشکل عنوان نموده اند.

بصیرتی برزکی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "مطالعه تطبیقی اهداف اقتصادی-حرفه ای سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت" نشان دادند که اهداف تربیتی- اقتصادی و حرفه ای سند تحول بنیادین با مبانی نظری قوی تدوین شده است ولی در عملکرد اجرایی هنوز جای تدوین برنامه های عملی متناسب با ویژگی جسمی و روحی دانش آموز ابتدایی برای دستیابی به نتیجه موثر خالی است. اما در ژاپن ذیل تدوین اهداف ملی، ضمن هدایت عملی با برنامه های آموزشی به سوی کار، تدبیر منزل و یادگیری گروهی علاوه بر دستیابی به نتایج مطلوب آموزشی در نهادهای این مولفه ها در وجود دانش آموزان بسیار موفق عمل کرده اند به گونه ای که تاثیر آن را در مرحله بالاتر زندگی افراد جامعه به لحاظ پیشرفت علمی و اقتصادی قابل مشاهده عینی است.

نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان "الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش" درصدد است تا با بررسی الزامات مدیریتی تحول بنیادین، مجموعه ای از بایدها و نبایدهای حاکم بر فرایند برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، نظارت و کنترل تحول آموزش و پرورش را واکاوی و احصاء نماید تا التزام به این مجموعه، امکان دستیابی به اهداف تحولی را تسریع و تسهیل نماید و با صرف حداقل هزینه و کسب حداکثر بهره وری بتوان اثربخشی و کارآمدی حرکت تحولی را ارتقاء بخشد.

عربی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله ای با عنوان "توسعه اقتصادی آموزش و پرورش با تاکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران" به موانع توسعه اقتصادی آموزش و پرورش ایران اشاره کردند، از جمله: مشکل دیدگاه دولتها که هزینه برای آموزش و پرورش را نه نوعی سرمایه گذاری اقتصادی بلکه هزینه مصرفی می دانند و در نتیجه بودجه آموزش و پرورش کم میشود و مشکلات ساختاری و اجرایی در آموزش و پرورش.

پیغامی و تورانی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان "نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا" با نگاهی به ماهیت برنامه درسی اقتصاد و ضرورت وجود آن در مجموعه آموزش های رسمی و عمومی (دبستان، راهنمایی و دبیرستان)، به ارائه تصویری از وضع موجود آن در دنیا پرداختند و سیر تکاملی ادبیات فربهی را که در خصوص «تحقق اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری» در عرصه اقتصاد طی شده است و از آن به عنوان «تعلیم و تربیت اقتصادی» نام برده میشود نشان دادند. آنگاه به ارائه یک برنامه عمل برای برون رفت از وضعیت فعلی پرداختند و سپس برنامه درسی مغفول مانده اقتصاد در «برنامه درسی ملی» را برای سیاستگذاران و برنامه ریزان مسائل تعلیم و تربیت کشور معرفی نمودند.

همتی^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان "آموزش عالی و توسعه اقتصادی: یک مطالعه تطبیقی از کشورهای منتخب جهان" نشان دادند که تاثیر آموزش عالی در توسعه غیرقابل انکار است. با این حال، برخی شواهد نشان می دهد که افزایش برنامه ریزی نشده تعداد موسسات آموزش عالی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی منجر به رشد نشده است. گسترش آموزش عالی فقط می تواند به توسعه اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری منجر شود که با جهت گیری کیفیت و گسترش فرهنگ کیفیت در همه ارکان سیستم

¹ Hemmati

آموزش عالی همراه باشد. در بررسی اهمیت آموزش در فرآیند توسعه اقتصادی، سه رویکرد سرمایه انسانی، توسعه انسانی و بازگشت سرمایه به آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این رویکردها می‌تواند به عنوان یک چارچوب نظری برای بررسی وابستگی متقابل آموزش و توسعه یا تجزیه و تحلیل اهمیت روزافزون آموزش در روند توسعه مورد استفاده قرار گیرد.

نارگیزا^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "نقش آموزش در توسعه اقتصادی: مقایسه کره جنوبی و قرقیزستان" هدف اصلی این مقاله شناسایی نقش آموزش در توسعه اقتصادی با مقایسه کره جنوبی و قرقیزستان است که کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جهان هستند. به عنوان مثال کره جنوبی کشوری کاملاً صنعتی و پیشرفته است که سیستم آموزشی در لیست ۱۰ سیستم برتر جهان است. در مقابل، قرقیزستان کشوری کشاورزی است که در آن اقتصاد استخراج مواد معدنی، کشاورزی و اتکا به حواله‌های شهروندان شاغل در خارج از کشور حاکم است. در نتیجه این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که آموزش یک امر اجباری و یکی از اصلی‌ترین ابزارها برای توسعه یک کشور است. یک کشور در حال توسعه با اقتصاد کوچک مانند قرقیزستان باید از کره جنوبی مثال بزند و هزینه زیادی را از بودجه ملی برای آموزش و پرورش اختصاص دهد. بنابراین، برای قرقیزستان مهم است که سیاست‌های آموزشی کشورهای پیشرفته را در چارچوب سیاست‌های ملی اجرا کند.

کاترینا^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان "نقش آموزش در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور" نشان دادند که در شرایط فعلی، آموزش از مولفه‌های مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی است و اثربخشی سیستم آموزشی و توسعه آن مبتنی بر سه اصل مشخص - دسترسی، کیفیت و امنیت است.

نواک^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان "سهم آموزش در رشد اقتصادی: شواهدی از نپال" رابطه طولانی مدت بین آموزش و رشد اقتصادی در نپال را بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۱۳ از طریق استفاده از روش هم آمیختگی یوهانسن و OLS بررسی کردند. نتایج حاصل از OLS نشان می‌دهد که آموزش متوسطه و عالی به طور قابل توجهی به تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه در نپال کمک می‌کند. آموزش مقدماتی نیز بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد اما نتایج از نظر آماری کمتر قابل توجه است. نتایج آزمون همگرایی وجود رابطه طولانی مدت در آموزش (یک سرمایه انسانی با تحصیلات عالی) و تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه را تأیید کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش در اولویت اصلی سیاست‌های عمومی قرار گیرد، برای جهانی سازی آموزش ابتدایی تلاش جدی شود و نرخ تحصیل در تمام مقاطع تحصیلی برای دستیابی به رشد پایدار اقتصادی نادیده گرفته شود.

دانیلا (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان "آموزش، ستون توسعه اقتصادی" یک توضیح مفهومی-نظری از مفاهیم اساسی لازم برای درک مستقیم و غیرمستقیم، بین آموزش و توسعه اقتصادی-اجتماعی، پیشنهاد نمود. و اینکه چگونه در طول زمان نقش اقتصادی آموزش از طریق سرمایه انسانی شکل گرفته و چگونه

¹ Nargiza

² Kateryna

³ Nowak

این امر در نظریه رشد و توسعه اقتصادی منعکس شده است. نتایجی که به دست آمد منجر به مسئله استراتژی ها، راه حل ها و اقداماتی خواهد شد که به توسعه جامعه و افزایش کیفیت زندگی برای مردم کمک می کند. تجزیه و تحلیل پیشنهادی نشان می دهد که سرمایه گذاری در سرمایه انسانی تأثیر قابل توجهی در رشد اقتصادی هر کشور دارد، بنابراین ما سرمایه انسانی را بیش از هر غنی طبیعی که یک ملت می تواند مهم تر بدانیم، می دانیم.

توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیت های تولیدی اعم از ظرفیت های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد. باید بدانیم که دو لغت رشد و توسعه دارای دو مفهوم متفاوت و جدا از یکدیگر می باشند. به طوری که واژه لاتین آنها نیز با یکدیگر تفاوت دارد. در زبان انگلیسی معادل رشد واژه (Growth) توسعه معادل واژه (Development) می باشد. در رشد اقتصادی کتیرها از نظر کمی مد نظر است. لذا رشد تغییرات کمی اقتصادی است، تغییرات کیفی را بیان نمی کند پس به این ترتیب رشد چیزی نیست، جز تغییرات (کمی) تولیدات ناخالص ملی، یعنی تغییرات نسبت به یک سال پایه قابل رشد خواهد بود. بنابراین تغییرات کمی اقتصادی در یک جامعه را رشد گویند. در توسعه اقتصادی متغیرها از نظر کیفی مد نظر است لذا توسعه در واقع تغییرات کیفی یک جامعه را بیان می کند که تظاهر آن می تواند، در رشد تبلور یابد. به این ترتیب توسعه اقتصادی عبارت است از تغییرات کیفی در ساختار اقتصاد یک جامعه و آن دسته از تغییرات بنیادی که بر تولید ناخالص ملی اثر می گذارد. به این ترتیب دو لغت رشد و توسعه را با توجه به تعاریف بالا از یکدیگر تمیز می دهیم (کوگولجویک و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

سند بنیادین تحول آموزش و پرورش ایران

مراد از تحول بنیادین در آموزش و پرورش فراهم آوردن زمینه تحول عمیق ریشه ای همه جانبه، نظام مند و کل نگر، آینده نگر، مبتنی بر آموزه های وحیانی و معارف اسلامی و متناسب با فرهنگ اسلامی-ایرانی می باشد. تغییر بنیادی به منظور توصیف تغییر سازمانی که در آن تغییر درونی ارزشها، آرزوها و رفتارهای افراد را به تغییر بیرونی فرایندها، راهبردها، کارها، و سیستمها پیوند میزند، کار می رود (بذرافشان مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

روش شناسی پژوهش

با توجه به این که در مطالعه حاضر بحث "ضرورت اقتصاد در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" مطرح می باشد، از نظر هدف کاربردی، از نظر داده ها آمیخته اکتشافی (کیفی و کمی)، از نظر محل اجرا

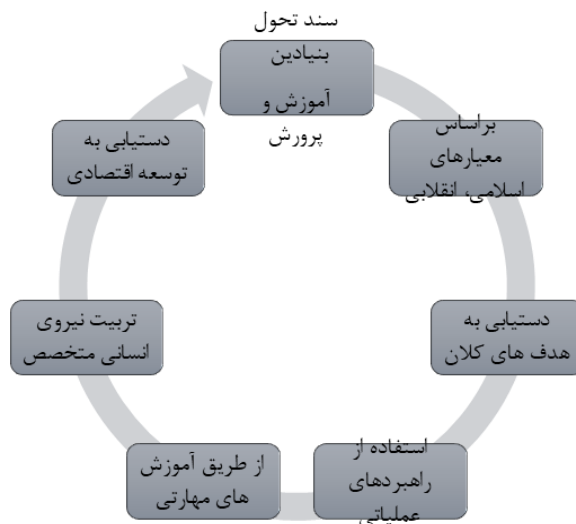
^۱ Cogoljevic

پژوهش میدانی، از نظر روش اجرای پژوهش از گرلند تئوری (بخش کیفی) و پیمایشی تک مقطعی (بخش کمی) است.

جهت گردآوری داده‌ها در مرحله اول یا مرحله شناخت و تبیین طرح پژوهش، تهیه طرح پژوهش، مطالعه مقدماتی مبانی نظری مرتبط با پژوهش در حوزه ضرورت اقتصاد در سند تحول آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفت. همچنین پیشینه پژوهشی داخلی و خارجی مورد بررسی قرار. در مرحله دوم به بررسی و مطالعه وضع مطلوب ناظر بر ضرورت اقتصاد در سند تحول بنیادین پرداخته شد؛ یعنی در مرحله شناسایی مولفه‌ها و طراحی مدل (پژوهش کیفی) با توجه به یافته‌های مرحله اول پژوهش، در ابتدای امر سوالات مصاحبه‌ها تدوین شد. مصاحبه‌های عمیق با خبرگان نظام آموزش و پرورش استان صورت گرفت. انتخاب نمونه‌ها در این بخش تا مرحله اشباع نظری پیش رفت. در ادامه تحلیل داده‌های کیفی به روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. در پایان این مرحله استخراج مدل مفهومی یعنی مدل استخراجی از روش نظریه داده بنیاد تدوین شد. در مرحله سوم که تدوین ابزار پژوهش و آزمون مدل نام دارد ابتدا مولفه‌های شناسایی شده به منظور تایید یا رد آنان با استفاده از روش دلفی مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله پرسشنامه دلفی طراحی شده و در بین خبرگان به اجرا درآمد. پس از پالایش یافته‌های دلفی، مدل گراند تئوری مورد ملاحظه مجدد قرار گرفت. در ادامه برای آزمون تجربی مدل اندازه‌گیری، نمونه‌گیری از دبیران علوم اجتماعی به عمل آمد و داده‌های لازم گردآوری شد. در نهایت تحلیل و تایید مدل اندازه‌گیری پژوهش با استفاده از آزمون تحلیل عاملی تاییدی صورت گرفت و برای تبیین وضع موجود با استفاده از مدلی که استخراج شده مقایسه‌ای بین سند توسعه موجود و سند توسعه مطلوب انجام شد.

مشارکت کنندگان در بخش کیفی پژوهش، خبرگان و متخصصان سازمان آموزش و پرورش و خبرگان در حوزه اقتصاد به تعداد ۳۰ نفر (نمونه آماری) که از سوابق اجرایی و آموزشی در سطوح تصمیم‌گیری برخوردار هستند، می‌باشد که به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند. جامعه آماری بخش کمی این پژوهش، معلمان استان اردبیل می‌باشند. دلیل انتخاب معلمان این است که نسبت به موضوع مورد بررسی اطلاعات بیشتری دارند و می‌توانند در به نتیجه رسیدن کار بیشتر و موثرتر عمل کنند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده خواهد شد.

یافته‌های کیفی



نمودار ۱. مدل مفهومی از سند بنیادین آموزش و پرورش در جهت توسعه اقتصادی

با تأکید بر آموزش های مهارتی

جدول ۱. کد گذاری محوری نقش سند تحول بنیادین آموزش و پرورشبر توسعه اقتصادی با تاکید بر آموزش مهارتی

ردیف	مفاهیم
۱	ارتقای سطح و کیفیت آموزشی از طریق افزایش هزینه های آموزشی
۲	به کارگیری نیروی آموزش دیده و افراد متخصص و تحصیل کرده
۳	ضرورت توجه به کاربردهای اقتصادی و تجزیه و تحلیل هزینه
۴	برنامه ریزی توسعه نیروی انسانی
۵	آموزش نیروی ماهر، اندیشمند و متفکر در توسعه و گسترش فناوری های تولیدبه عنوان پایه و محور اساسی پیشرفت اقتصادی
۶	افزایش رشد اقتصادی در کنار افزایش بهره وری نیروی کار
۷	آموزش برای بهره گیری از هوش و استعداد افراد انسانی
۸	رشد سرمایه انسانی، دوره بازگشت سرمایه گذاران در نیروی انسانی و در نهایت، سرمایه گذاران کل اقتصاد را افزایش می دهند
۹	آموزش سرمایه انسانی باعث افزایش بهره وری در سال های آتی و بازده مثبت سرمایه گذاری می شود
۱۰	آموزش و پرورش با جذب و بهره مندی از هوش و استعداد افراد انسانی زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم می کند.

۱۱	جذب اساتید و معلمان لایق و با کفایت و آموزش دیده در امر آموزش نیروی انسانی باعث ارتقای کیفیت نیروی انسانی.
۱۲	ایجاد مراکز تحقیقاتی و پژوهشی به عنوان یکی از عوامل پیشرفت رفاه اقتصادی و رشد فزاینده ظرفیت تولید در کشورهای پیشرفته شناخته شده است.
۱۳	افزایش درآمد افراد به دلیل داشت مهارت ها و تخصص هایی که کسب کرده اند و باعث ارتقا سطح زندگی با کیفیت بالاتر خواهد شد.
۱۴	توانایی انتخاب بهتر و افزایش توانایی، ابداع و نوآوری و از نظر روحی تغییر نگرش های سنتی و خرافاتی و استفاده از دستاوردهای علمی.
۱۵	مشارکت در فعالیت های اجتماعی و سیاسی مردم و جلوگیری کوتاه بینی مردم
۱۶	انتقال دانش، مهارت ها به نسل های بعدی و همچنین افزایش میزان تعهد پذیری و احساس مسئولیت تقویت می یابد.
۱۷	آموزش باعث تغییر نگرش افراد در بعد فرهنگی و اجتماعی که راه را برای توسعه اقتصادی ایجاد می کند.
۱۸	آموزش و پرورش باعث تغییر ارزش ها و طرز تلقی های افراد می شود که به طور مستقیم بر وضعیت اقتصادی تأثیر گذار است.
۱۹	آموزش و پرورش موجب گسترش ظرفیت تولیدی و افزایش درآمد و توزیع عادلانه ثروت می شود.
۲۰	آموزش از طریق دستمزد نیروی کار، آموزش نیروی کار به شکل گیری رفتار اجتماعی؛ و منجر به بهبود اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و زمینه ساز سرمایه گذاری داخلی و خارجی در کشور می گردد.
۲۱	میزان سرمایه گذاری در بخش آموزش و پرورش بر میزان توسعه اقتصادی نقش تأثیر گذاری دارد.
۲۲	کوشش برای بالا بردن تولید ناخالص ملی و ارتقای استانداردهای زندگی مردم
۲۳	توسعه تمایلات آزادی خواهانه سیاسی و اجتماعی
۲۴	گسترش آموزش و پرورش موجب کاهش نرخ رشد جمعیت
۲۵	رشد اقتصادی با بهبود آموزش عمومی و باسوادی مردم ارتباط دارد
۲۶	آموزش عمومی برای تمام مردم به ویژه روستاییان و گروه های بزرگ محرومی که در مناطق پرجمعیت شهری زندگی می کنند
۲۷	افزایش عوامل تولید از نظر کمی مانند نیروی کار، سرمایه، ماشین الات و سایر منابع طبیعی
۲۸	تخصیص مناسب تر منابع با افزایش کیفیت عوامل تولید و ارتقا استانداردهای
۲۹	عواملی مانند فقر، عدالت، شهرنشینی، مهاجرت، بیکاری و توزیع درآمد در رشد توسعه اقتصادی نقش دارند.
۳۰	شاخص درآمد سرانه ملی هر کشور و میزان تولید ناخالص داخلی میزان سطح درآمد هر کشور را مشخص می کند. با مقایسه ان با کشورهای توسعه یافته میزان رشد اقتصادی کشور مشخص می گردد.
۳۱	از جمله معیارهای سنجش رشد و توسعه، میزان امید به زندگی، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، امنیت شغلی، آزادی سیاسی، برابری جنسیتی که نسبت متوسط درآمد مرد و زن،
۳۲	افزایش مهارت و تخصص نیروی کار زمینه را برای رشد تکنولوژی و ابداع و خلاقیت بالا می برد.
۳۳	ابداع وسایل و روش های جدید (پیشرفت تکنولوژی) از طریق آموزش و مهارت برای نیروی کار
ردیف	معایب

۱	پایین بودن هزینه های آموزشی
۲	نادیده گرفتن تأثیر آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر
۳	پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه.
۴	عدم وجود نگاه سیستمی نسبت به اجزا و مؤلفه های نظام
۵	ناتوانی های علمی، مهارتی و کمبودهای فیزیکی نهادهای آکادمیک و ستاد در طراحی، اجرا و ارزشیابیهای گوناگون برنامه های درسی؛
۶	جزیره ای بودن مؤلفه های نظام را نارسایی های نظام برنامه ریزی درسی ایران می داند
۷	نبود سیاست گذاری علمی منسجم در سطح ملی و ناتوانی در رعایت هماهنگی میان مؤلفه های گوناگون تشکیل دهنده سیستم برنامه های درسی
۸	کاهش نابرابری درآمدی و بالابردن قدرت تولید در سطح عمومی و افزایش درآمدهای مردم.
۹	کاستی های مدیریتی، کاستی های نرم افزاری و سخت افزاری که باعث کاهش کارایی و اثربخشی نظام آموزشی می گردد
۱۰	توجه کم در بعد اقتصادی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در اصول پایه ابتدایی یک نگرانی جدی در این حوزه می باشد.

جدول ۲. ارائه ی الگوی مطلوب در جهت توسعه اقتصادی استان با تاکید بر آموزش های مهارتی

ردیف	ارائه ی الگوی مطلوب در جهت توسعه اقتصادی استان با تاکید بر آموزش های مهارتی
۱	آماده سازی جوانان برای بازار کار
۲	پایین بودن سطح مهارت ها با توجه به سرعت تغییرات فناوری و انتظار بازار کار از نیروهای ماهر
۳	ضرورت آموزش های حرفه ای در قالب آموزش های حین کار
۴	بالا بردن سطح آموزش های فنی و حرفه ای و دوره های کارآموزی، تحرک اجتماعی جوانان و کاهش بیکاری
۵	آموزش مهارت ها فنی و حرفه برای احراز شغل و پیشه و کسب و کار
۶	این آموزش ها به عنوان ابزاری مهمی برای بهبود پویایی، انطباق پذیری و بهره وری نیروی کار لازم است.
۷	باعث توان رقابتی در بنگاه های اقتصادی، صنعتی و تولیدی و توازن در بازار کار
۸	افزایش کیفیت آموزش های فنی و حرفه ای به بالابردن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی و کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم بسیار مهم است.
۹	از جمله محدودیت ها در بخش آموزش فنی و حرفه ای مشخص نبودن الگوی توسعه کشور و در نتیجه نامشخص بودن جهت گیری مناسب آموزش های فنی و حرفه ای است.
۱۰	کشورهای پیشرفته به جای تأکید بر دانش حرفه ای به مهارت های حرفه ای تأکید می شود.
۱۱	به کارگیری یک رویکرد نظام مند در ایجاد رشته های آموزش فنی و حرفه ای جدید مبتنی بر فناوری های نوین.
۱۲	بهبود فضای کسب و کار در کشورها عامل مهمی در راستای افزایش رشد اقتصادی آنها به شمار می آید.
۱۳	رشد اقتصادی مطابق نظریات اقتصادی، تغییرات فعالیت های اقتصادی یک کشور با منطقه طی یک دوره زمانی مشخص را نشان می دهد.

جدول ۳. یافته های توصیفی مربوط متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداکثر	دامنه
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۲۳/۱۰	۴/۳۸۵۰۱	-۰/۰۰۹	-۰/۳۷۹	۱۳	۳۶	۲۳
آموزش های مهارتی	۱۷/۲۱	۳/۷۳۲۵۳	۰/۱۳۲	-۰/۱۳۴	۹	۲۹	۲۰
توسعه اقتصادی	۳۱/۶۵	۵/۸۱۴۳۹	-۰/۰۲۵	-۰/۱۷۴	۱۵	۴۶	۳۱

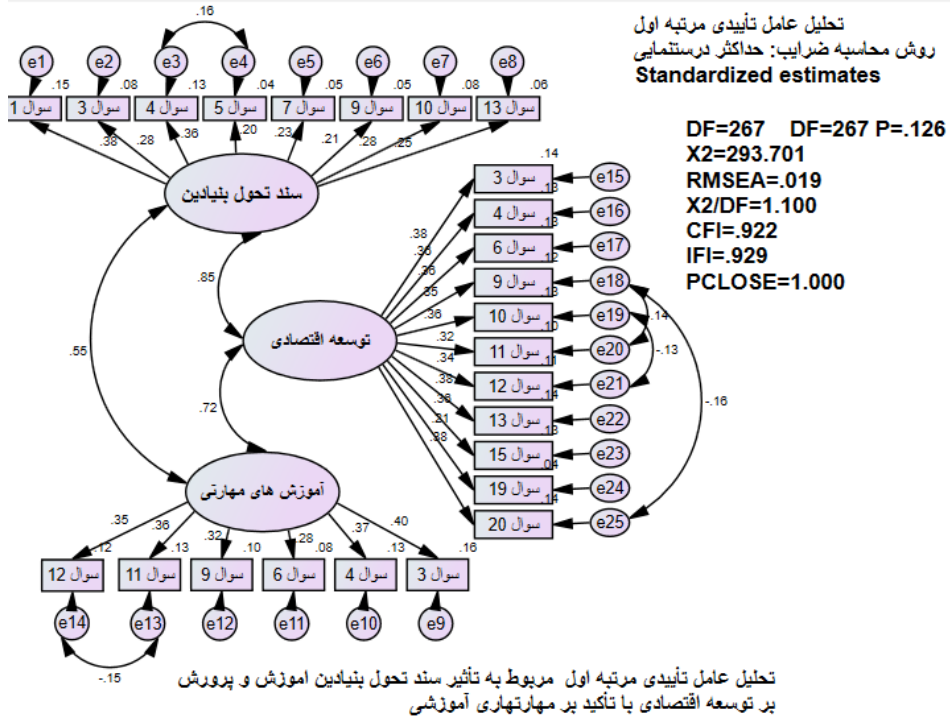
جدول ۳ یافته های توصیفی مربوط به میزان پاسخدهی مشارکت کنندگان به سوالات سه حوزه بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آموزش های مهارتی و پاسخگویی به سوالات حوزه توسعه اقتصادی صورت پذیرفت. که بر مبنای آن با توجه به سوالات مربوط به بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که ۱۳ سوال را تحت پوشش قرار می دهد که بر اساس طیف ۵ درجه لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت که میانگین آن ۲۳/۱۰ و مقدار انحراف معیار آن ۴/۳۸۵۰۱ بدست آمد. در بررسی مؤلفه آموزش های مهارتی که بر اساس نظر متخصصان ۱۴ سوال مطرح گردید که با توجه به مقیاس ۵ درجه میانگین آن ۱۷/۲۱ و انحراف معیار آن ۳/۷۳۲۵۳ بدست آمد. و همچنین در بررسی سوالات مربوط به توسعه اقتصادی که شامل ۲۰ سوال با مقیاس ۵ درجه ای طرح گردید که میانگین آن ۳۱/۶۵ و انحراف معیار ۵/۸۱۴۳۹ می باشد.

تحلیل داده های کمی از زاویه استنباطی

برای بررسی میزان تأثیرگذاری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در جهت توسعه اقتصادی استان با تأکید بر آموزش های مهارتی از مدل معادلات ساختاری تحلیل عامل تأییدی و تحلیل مسیر استفاده شده است. برای این منظور ابتدا از طریق تحلیل یافته های کیفی و با استفاده از کدگذاری محوری که با توجه به نظرات متخصصان حوزه آموزش و پرورش و حوزه اقتصاد انجام گرفت. مفاهیم به صورت سوالات بسته در در اختیار مدیران، معلمان و دانش آموخته گان رشته اقتصاد صورت پذیرفت. حال داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن ارائه گردید.

تحلیل عاملی مرتبه اول

در بررسی تحلیل عاملی تأییدی مشخص می کند که چه میزان گویه های سنجش یک سازه به درستی انتخاب شده اند. و همچنین این روش مشخص می کند که سوالاتی که در هر یک از پرسشنامه ها هر عامل قرار دارند دارای وضعیت مطلوبی هستند یا خیر. حال به بررسی تحلیل عاملی تأیید مربوط به سوالات هر عامل می پردازیم.



نمودار ۲. تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول مربوط به تأثیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی با تأکید بر مهارت‌های آموزشی

جدول ۴. وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده تحلیل عاملی

متغیر	تخمین	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	مقدار P
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۱			
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۶۵۰	۰/۲۱۷	۲/۹۹۶	۰/۰۰۳
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۷۸۱	۰/۲۲۴	۳/۴۸۹	۰/۰۰۰
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۴۵۸	۰/۲۰۱	۲/۲۷۹	۰/۰۲۳
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۵۶۷	۰/۲۱۸	۲/۵۹۷	۰/۰۰۹
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۴۹۰	۰/۱۹۸	۲/۴۷۵	۰/۰۱۳

۰/۰۰۳	۳/۰۰۹	۰/۲۰۸	۰/۶۲۷	سوال ۱۰	←	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۰/۰۰۵	۲/۷۹۲	۰/۲۰۶	۰/۵۷۵	سوال ۱۳	←	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
			۱	سوال ۳	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۰	۳/۵۲۵	۰/۲۶۷	۰/۹۴۱	سوال ۴	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۳	۲/۹۶۰	۰/۲۴۸	۰/۷۳۵	سوال ۶	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۱	۳/۲۵۷	۰/۲۳۸	۰/۷۷۵	سوال ۹	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۰	۳/۳۶۹	۰/۳۰۲	۱/۰۱۶	سوال ۱۱	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۰	۳/۳۱۸	۰/۳۰۰	۰/۹۹۵	سوال ۱۲	←	آموزش های مهارتی
			۱	سوال ۳	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۹۲	۰/۲۲۸	۰/۸۸۷	سوال ۴	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۸۷	۰/۲۴۴	۰/۹۴۸	سوال ۶	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۷۵۹	۰/۲۲۱	۰/۸۳۲	سوال ۹	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۴۹	۰/۲۳۹	۰/۹۲۱	سوال ۱۰	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۵۸۷	۰/۲۳۷	۰/۸۵۰	سوال ۱۱	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۶۹۶	۰/۲۵۵	۰/۹۴۳	سوال ۱۲	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۹۸۹	۰/۲۴۱	۰/۹۶۳	سوال ۱۳	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۷۰	۰/۲۳۰	۰/۸۹۰	سوال ۱۵	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۹	۲/۶۳۱	۰/۲۰۶	۰/۵۴۱	سوال ۱۹	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۹۵۲	۰/۲۴۱	۰/۹۵۲	سوال ۲۰	←	توسعه اقتصادی

جدول ۴ وزن های رگرسیونی استاندارد شده تحلیل عامل مربوط به ارتباط سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی با تاکید بر آموزش های مهارتی را نشان می دهد. مقدار تخمین نشان دهنده اثر هر سوال بر مؤلفه را نشان می دهد. با توجه به مقدار نسبت بحرانی که باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد تا بتواند برازش مطلوبی را دهد و مقدار سطح معناداری کمتر از $P < 0.05$ نشان دهنده ارتباط و همسانی بالای سوالات هر مؤلفه را نشان می دهد.

جدول ۵. ماتریس کواریانس بین متغیرهای پیش فرض

متغیر	تخمین	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	مقدار P
آموزش های مهارتی <--> سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۱۳۵	۰/۰۴۷	۲/۸۶۹	۰/۰۰۴

۰/۰۰۰	۳/۵۵۰	۰/۰۵۹	۰/۲۰۹	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش <--> توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۴۴۵	۰/۰۴۵	۰/۱۵۴	آموزش های مهارتی <--> توسعه اقتصادی
۰/۰۲۸	-۲/۲۰۱	۰/۱۰۳	+۰/۲۲۷	خطای ۱۳ <--> خطای ۱۴
۰/۰۴۶	-۱/۹۹۱	۰/۰۸۶	-۰/۱۷۱	خطای ۱۹ <--> خطای ۲۱
۰/۰۱۷	۲/۳۹۵	۰/۰۸۵	۰/۲۰۴	خطای ۳ <--> خطای ۴
۰/۰۱۲	-۲/۵۰۴	۰/۰۷۱	-۰/۱۷۷	خطای ۱۸ <--> خطای ۲۵
۰/۰۳۴	۲/۱۲۵	۰/۰۷۸	۰/۱۶۵	خطای ۱۸ <--> خطای ۲۰

جدول ۵. میزان کواریانس متغیرهای مستقل، وابسته را نشان می دهد نتایج بدست آمده نشان می دهد که هرچقدر میزان کواریانس بین دو متغیر وجود داشته باشد رابطه هم خطی بیشتری به وجود می آید.

جدول ۶. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پیش فرض

متغیر	تخمین
آموزش های مهارتی <--> سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۵۵۱
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش <--> توسعه اقتصادی	۰/۸۴۷
آموزش های مهارتی <--> توسعه اقتصادی	۰/۷۱۶
خطای ۱۳ <--> خطای ۱۴	-۰/۱۵۰
خطای ۱۹ <--> خطای ۲۱	-۰/۱۲۶
خطای ۳ <--> خطای ۴	۰/۱۵۵
خطای ۱۸ <--> خطای ۲۵	-۰/۱۵۸
خطای ۱۸ <--> خطای ۲۰	۰/۱۳۷

در ابتدا ماتریس کواریانس به صورت مطلق بیان می کند که بین متغیرهای مستقل و وابسته ارتباط معنادار وجود دارد. و سطح معناداری کمتر ۰/۰۵ این ارتباط را اثبات می کند. حال ماتریس همبستگی نشان می دهد که میزان همبستگی هر متغیر چقدر است. که نشان می دهد بین بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با آموزش های مهارتی با تخمین ۰/۵۵ رابطه مثبت وجود دارد. و همچنین بین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با میزان توسعه اقتصادی ۰/۸۴ همبستگی مثبت وجود دارد.

جدول ۷. معناداری برازش مدل تحلیل عاملی

مدل	X ²	RMSEA	X2/DF	p-value
-----	----------------	-------	-------	---------

تحلیل مسیر	۲۹۳/۷۰۱	۰/۰۱۹	۱/۱۰۰	۰/۱۲۶
------------	---------	-------	-------	-------

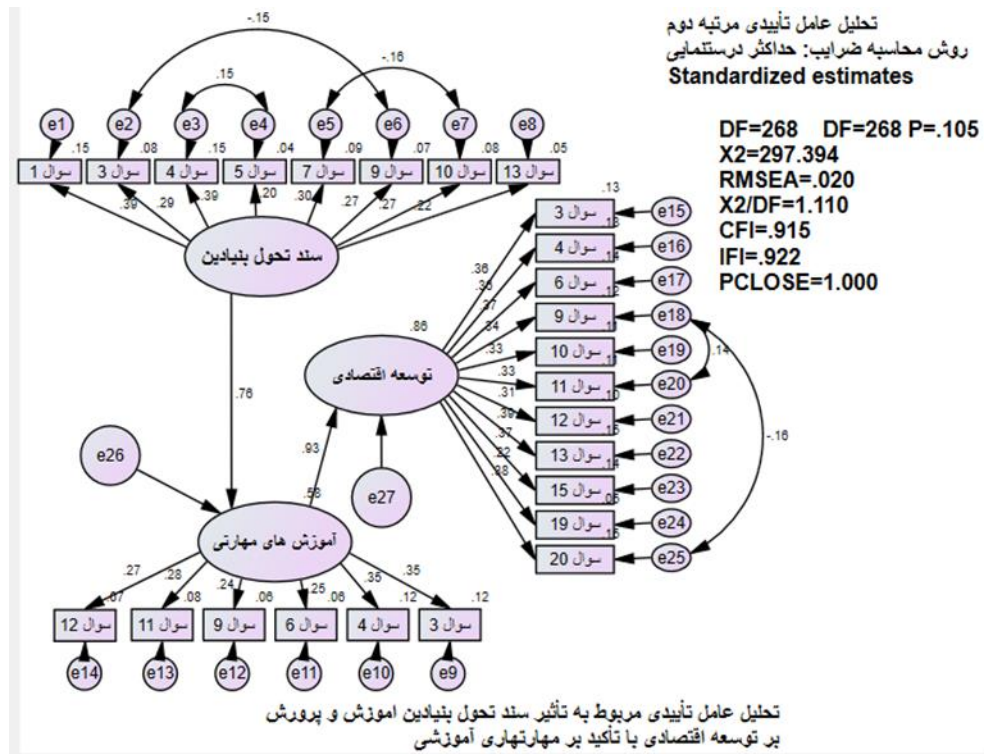
جدول ۷. شاخص‌های برازش نیکویی به وسیله نرم افزار آموس مورد سنجش قرار گرفته است نتایج بدست آمده در نرم افزار آموس که برای نمونه‌های بیشتر از ۲۰۰ نفر کارایی بیشتری دارند. نتایج نقطه بحرانی (۱/۱۰۰) باید کمتر از ۳ باشد، مقدار **RMSES** باید کوچکتر از ۸۰ باشد که در اینجا (۰/۰۱۹) کمتر است. مقدار **p-value** باید بیشتر ۰/۵ باشد که مدل تأیید گردد. تمام شاخص‌های بدست آمده در این مدل مطلوب هستند. و دارای برازش خوبی است.

جدول ۸. معیارهای بررسی مناسبت مدل کلی

مدل	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI
مدل کلی	۰/۵۴۴	۰/۴۸۸	۰/۹۲۹	۰/۹۱۳	۰/۹۲۳
مدل مستقل	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همانطور که از جدول بالا قابل مشاهده می باشد شاخص برازش بهنجار بنتلر- بونت (NFI=۰/۵۴۴) و سطح معناداری $p=۰/۰۰۰$ و شاخص برازش نسبی (RFI=۰/۴۸۸) و مقدار $p=۰/۰۰۰$ و مدل (IFI=۰/۹۲۹) و سطح معناداری $p=۰/۰۰۰$ و شاخص برازش تاکر- لوئیس (TLI=۰/۹۱۳) و سطح معناداری $p=۰/۰۰۰$ و شاخص برازش تطبیقی (CFI = ۰/۹۲۳) و سطح معناداری $p=۰/۰۰۰$ نشان می دهد که مدل دارای برازش مطلوبی می باشد.

تحلیل عاملی مرتبه دوم:



نمودار ۳. تحلیل عامل تأییدی مرتبه دوم مربوط به تأثیر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر توسعه اقتصادی با تأکید بر مهارت‌های آموزشی

جدول ۹. وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده تحلیل عاملی

متغیر	تخمین	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	مقدار P
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۵۷۲	۰/۱۸۱	۳/۱۶۰	۰/۰۰۲
آموزش‌های مهارتی	۱/۰۲۹	۰/۳۰۰	۳/۴۳۳	۰/۰۰۰
سوال ۱	۱			
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۶۶۶	۰/۲۲۲	۲/۹۹۴	۰/۰۰۳
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۸۴۷	۰/۲۳۴	۳/۶۱۷	۰/۰۰۰
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش	۰/۴۶۳	۰/۲۰۳	۲/۲۷۹	۰/۰۲۳

۰/۰۰۲	۳/۰۸۰	۰/۲۴۱	۰/۷۴۲	سوال ۷	←	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۰/۰۰۵	۲/۸۲۴	۰/۲۱۳	۰/۶۰۰	سوال ۹	←	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۰/۰۰۴	۲/۸۷۹	۰/۲۱۱	۰/۶۰۶	سوال ۱۰	←	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
۰/۰۱۱	۲/۵۳۴	۰/۲۰۰	۰/۵۰۶	سوال ۱۳	←	سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
			۱	سوال ۳	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۰	۳/۵۴۴	۰/۲۸۸	۱/۰۱۹	سوال ۴	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۴	۲/۸۵۷	۰/۲۶۲	۰/۷۵۰	سوال ۶	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۵	۲/۸۱۴	۰/۲۳۸	۰/۶۶۹	سوال ۹	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۲	۳/۱۱۵	۰/۲۹۲	۰/۹۰۹	سوال ۱۱	←	آموزش های مهارتی
۰/۰۰۲	۳/۰۳۶	۰/۲۸۹	۰/۸۷۷	سوال ۱۲	←	آموزش های مهارتی
			۱	سوال ۳	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۷۶۹	۰/۲۴۴	۰/۹۱۹	سوال ۴	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۲۴	۰/۲۶۵	۱/۰۱۲	سوال ۶	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۵۹۲	۰/۲۳۵	۰/۸۴۳	سوال ۹	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۵۹۹	۰/۲۴۶	۰/۸۸۵	سوال ۱۰	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۵۵۴	۰/۲۵۶	۰/۹۱۱	سوال ۱۱	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۴۷۴	۰/۲۶۳	۰/۹۱۳	سوال ۱۲	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۹۱۰	۰/۲۶۲	۱/۰۲۴	سوال ۱۳	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۱۳	۰/۲۴۹	۰/۹۵۱	سوال ۱۵	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۷	۲/۶۸۸	۰/۲۲۰	۰/۵۹۱	سوال ۱۹	←	توسعه اقتصادی
۰/۰۰۰	۳/۸۶۴	۰/۲۶۰	۱/۰۰۶	سوال ۲۰	←	توسعه اقتصادی

جدول ۹. وزن های رگرسیونی استاندارد شده تحلیل عامل مربوط به ارتباط سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی با تاکید بر آموزش های مهارتی را نشان می دهد. مقدار تخمین نشان دهنده اثر هر سوال بر مؤلفه را نشان می دهد. با توجه به مقدار نسبت بحرانی که باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد تا بتواند برازش مطلوبی را دهد و مقدار سطح معناداری کمتر از $P < ۰/۰۵$ نشان دهنده ارتباط و همسانی بالای سوالات هر مؤلفه را نشان می دهد.

جدول ۱۰. ماتریس کواریانس بین متغیرهای پیش فرض

متغیر	تخمین	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	مقدار P
خطای ۳ <--> خطای ۴	۰/۱۹۱	۰/۰۸۶	۲/۲۳۴	۰/۰۲۵
خطای ۱۸ <--> خطای ۲۵	-۰/۱۷۴	۰/۰۷۱	-۲/۴۵۵	۰/۰۱۴
خطای ۱۸ <--> خطای ۲۰	۰/۱۶۳	۰/۰۷۸	۲/۰۹۵	۰/۰۳۶
خطای ۵ <--> خطای ۷	-۰/۲۳۳	۰/۰۹۳	-۲/۵۱۸	۰/۰۱۲
خطای ۲ <--> خطای ۶	-۰/۲۰۷	۰/۰۸۹	-۲/۳۳۴	۰/۰۲۰

جدول ۱۰ میزان کوارینانس متغیرهای مستقل، وابسته و میانجی را نشان می‌دهد نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که هرچقدر میزان کوارینانس بین دو متغیر وجود داشته باشد رابطه هم خطی بیشتری به وجود می‌آید.

جدول ۱۱. معناداری برازش مدل تحلیل عاملی

مدل	X ²	RMSEA	X ² /DF	p-value
تحلیل مسیر	۲۹۷/۳۹۴	۰/۰۲۰	۱/۱۱۰	۰/۱۰۵

جدول ۱۱ شاخص‌های برازش نیکویی به وسیله نرم افزار آموس مورد سنجش قرار گرفته است نتایج بدست آمده در نرم افزار آموس که برای نمونه‌های بیشتر از ۲۰۰ نفر کارایی بیشتری دارند. نتایج نقطه بحرانی (۱/۱۱۰) باید کمتر از ۳ باشد، مقدار RMSES باید کوچکتر از ۸۰ باشد که در اینجا (۰/۰۲۰) کمتر است. مقدار p-value باید بیشتر ۰/۵ باشد که مدل تأیید گردد. تمام شاخص‌های بدست آمده در این مدل مطلوب هستند. و دارای برازش خوبی است.

جدول ۱۲. معیارهای بررسی مناسبت مدل کلی

مدل	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI
مدل کلی	۰/۵۳۸	۰/۴۸۳	۰/۹۲۲	۰/۹۰۴	۰/۹۱۵
مدل مستقل	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

همانطور که از جدول بالا قابل مشاهده می‌باشد شاخص برازش بهنجار بتلر- بونت (NFI=۰/۵۳۸) و سطح معناداری p=۰/۰۰۰ و شاخص برازش نسبی (RFI=۰/۴۸۳) و مقدار p=۰/۰۰۰ و مدل (IFI=۰/۹۲۲) و سطح معناداری p=۰/۰۰۰ و شاخص برازش تاکر- لویس (TLI=۰/۹۰۴) و سطح معناداری p=۰/۰۰۰ و شاخص برازش تطبیقی (CFI=۰/۹۱۵) و سطح معناداری p=۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل دارای برازش مطلوبی می‌باشد.

یافته‌های توصیفی مربوط به میزان پاسخدهی مشارکت کنندگان به سوالات سه حوزه بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آموزش‌های مهارتی و پاسخگویی به سوالات حوزه توسعه اقتصادی نشان داد که بر مبنای آن با توجه به سوالات مربوط به بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که ۱۳ سوال را تحت پوشش قرار می‌دهد که براساس طیف ۵ درجه لیکرت مورد ارزیابی قرار گرفت که میانگین آن ۲۳/۱۰ و مقدار انحراف معیار آن ۴/۳۸۵۰۱ بدست آمد. در بررسی مؤلفه آموزش‌های مهارتی که براساس نظر متخصصان ۱۴ سوال مطرح گردید که با توجه به مقیاس ۵ درجه میانگین آن ۱۷/۲۱ و انحراف معیار آن ۳/۷۳۲۵۳ بدست آمد. و همچنین در بررسی سوالات مربوط به توسعه اقتصادی که شامل ۲۰ سوال با مقیاس ۵ درجه‌ای طرح گردید که میانگین آن ۳۱/۶۵ و انحراف معیار ۵/۸۱۴۳۹ می‌باشد. وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده تحلیل عامل مربوط به ارتباط سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و توسعه اقتصادی با تاکید بر آموزش‌های مهارتی نشان می‌دهد که با توجه به مقدار نسبت بحرانی که باید بیشتر از ۱/۹۶ باشد تا بتواند برازش مطلوبی را دهد و مقدار سطح معناداری کمتر از $P < 0/05$ نشان دهنده ارتباط و همسانی بالای سوالات هر مؤلفه را نشان می‌دهد.

نتایج حاصل از ماتریس کوواریانس به صورت مطلق بیان می‌کند که بین متغیرهای مستقل و وابسته ارتباط معنادار وجود دارد. و سطح معناداری کمتر $0/05$ این ارتباط را اثبات می‌کند. حال ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که میزان همبستگی هر متغیر چقدر است. که نشان می‌دهد بین بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با آموزش‌های مهارتی با تخمین $0/55$ رابطه مثبت وجود دارد. و همچنین بین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با میزان توسعه اقتصادی $0/84$ همبستگی مثبت وجود دارد. نتایج شاخص‌های برازش نیکویی به وسیله نرم افزار آموس که برای نمونه‌های بیشتر از ۲۰۰ نفر کارایی بیشتری دارند نشان می‌دهد که نقطه بحرانی ($1/100$) باید کمتر از ۳ باشد، مقدار **RMSES** باید کوچکتر از ۸۰ باشد که در اینجا ($0/019$) کمتر است. مقدار **p-value** باید بیشتر $0/5$ باشد که مدل تأیید گردد. تمام شاخص‌های بدست آمده در این مدل مطلوب هستند. و دارای برازش خوبی است. نتایج شاخص برازش بهنجار بنتلر- بونت ($NFI=0/544$) و سطح معناداری $p=0/000$ و شاخص برازش نسبی ($RFI=0/488$) و مقدار $p=0/000$ و مدل ($IFI=0/929$) و سطح معناداری $p=0/000$ و شاخص برازش تاکر- لوئیس ($TLI=0/913$) و سطح معناداری $p=0/000$ و شاخص برازش تطبیقی ($CFI=0/923$) و سطح معناداری $p=0/000$ نشان می‌دهد که مدل دارای برازش مطلوبی می‌باشد. نتایج تحلیل عاملی مرتبه دوم نیز نتایج مشابهی را با تحلیل عاملی مرتبه اول نشان می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت که برنامه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با تاکید بر آموزش‌های مهارتی در جهت توسعه اقتصادی استان نقش مهمی ایفا می‌کند.

بصیرتی برزکی (۱۳۹۵) مطالعه تطبیقی اهداف اقتصادی-حرفه ای سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، رشته فلسفه آموزش و پرورش.

عربی، پوریا؛ قشقایی، ریحانه؛ ربانی فرهودی، علی (۱۳۹۴)، توسعه اقتصادی آموزش و پرورش با تاکید بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، ششمین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت و علوم مهندسی

احمدی، غلامعلی؛ عباس زاده شهری، طاهره؛ درویشی، علی؛ میرجووانی زنگنه، کاترین (۱۳۹۵)، مروری بر نحوه تامین منابع مالی در آموزش و پرورش، کنفرانس بین المللی نخبگان مدیریت، ۱۲ خرداد ۱۳۹۵.

بذرافشان مقدم، مجتبی؛ شوقی، مریم؛ رحمان خواه، راحیل (۱۳۹۴) جایگاه نظارت و راهنمایی تعلیماتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجله پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال ۵، شماره ۲، ۲۳-۴۳.

رعنایی، م. (۱۳۹۳)، جزئیات نقشه راه موفقیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. بازیابی شده از <http://ayaronline.ir/1393/09/100697.html>

پیغامی، عادل؛ تورانی، حیدر نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، *

انصاری، هادی؛ قرایی اسگویی، مهری (۱۳۹۷)، سند تحول بنیادین محصول آینده پژوهی، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی، دوره ۱، ۳۱ خرداد ۱۳۹۷.

احمدی مقدم، حسین؛ احمدی مقدم، مسعود (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین نظام تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش) با اقتصاد مقاومتی، یازدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران.

نوید ادهم، مهدی (۱۳۹۱)، الزامات مدیریتی تحول بنیادین در آموزش و پرورش، راهبرد فرهنگ / شماره هفدهم و هجدهم / بهار و تابستان.

Kateryna V. Astakhova, Alexander I. Korobeev, Victoria V. Prokhorova, Andrey A. Kolupaev, Mikhail V. Vorotnoy, Evgeniya R. Kucheryavaya (2016), The Role of Education in Economic and Social Development of the Country, International Review of Management and Marketing, 6(S1) 53-58.

A, Z. Nowak, Gangadhar Dahal (2016), The Contribution of Education to Economic Growth: Evidence from Nepal, International Journal of Economic Sciences Vol. V, No. 2 / 2016.

- Daniela Mihaela Neamtu (2015), Education, the economic development pillar, the 6th International Conference Edu World 2014 “Education Facing Contemporary World Issues”, 7th - 9th November.
- Nargiza Sakmurzaeva (2018), The Role of Education in Economic Development: A Comparison of South Korea And Kyrgyzstan, International Conference on Eurasian Economies.
- Hemmati Reza., Vahid Ghasemi., Ebrahim Mansouri Nejad (2020), Higher Education and Economic Development: A Comparative Study of the Selected Countries of the World, Journal of Applied Sociology, Vol. 31, Issue 3, No.78, Autumn 2020, pp. 15-18.
- Cogoljevic Dušan ., Meysam Alizamir., Ivan Piljan., Tatjana Piljan., Katarina Prljic., Stefan Zimonjić (A machine learning approach for predicting the relationship), between energy resources and economic development, Statistical Mechanics and its Applications, Volume 495, 1 April 2018, Pages 211-214.